احكام و تعاليم فردى - نهی تأويل کلمات الهی

حضرت بهاءالله



**نهی از تأویل کلمات الهی**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " إنَّ الَّذِي يُؤَوِّلُ مَا نُزِّلَ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْي وَيخْرِجُهُ عَنِ الظَّاهِرِ إِنَّهُ مِمَّنْ حَرَّفَ کَلِمَةَ‌اللّهِ الْعُلْيَا وَکَانَ مِنَ الْأَخْسَرِيْنَ فِي کِتابٍ مُبِينٍ "

(کتاب اقدس – بند 105)

2 - " وَمِنْهُمْ مَنْ يَدَّعِي الْبَاطِنَ وَبَاطِنَ الْبَاطِنَ قُلْ يَا أَيُّهَا الکَذَّابُ تَاللّهِ مَا عِنْدَکَ إِنَّهُ مِنَ الْقُشُوْرِ تَرَکْنَاهَا لَکُمْ کَمَا تُتْرَکُ الْعِظامُ لِلْکَلَابِ " (کتاب اقدس – بند 36)

3 - "مقصود از تأويل اينکه از ظاهر خود را محروم ننمايند و از مقصود محتجب نمانند . مثلاً اگر از سماء مشيّت فَاغْسِلُوْا وُجُوْهکُمْ نازل شود تأويل ننمائيد که مقصود از غُسل ، غُسلِ وَجهِ باطن است و بايد بآب عرفان او را غُسل داد و طاهر نمود و اَمثال آن ... آياتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و ديات و جنايات وامثال آن مقصود عمل بظاهر آيات بوده و خواهد بود ولکن آيات الهی که در ذکر قيامت و ساعت چه در کتب قبل چه در فرقان نازل شده اکثر مؤوَّلَست و لَا يَعْلَمُ تَأوِيْلَهُ اِلّا اللّهُ اين مراتب در کتاب ايقان واضح و مبرهن ايست هر نفسی در آن تفکّر نمايد آگاه شود بر آنچه از نظر کلّ مستور بوده "

(مجموعه اقتدارات در اشاره به آيه 7 سوره آل عمران ص 29 و 284)

4 - " آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحاً معلوم و واضح است و احدی بتأويل کلمات الهيّه مامور نبوده و نخواهد بود نشهد ان الْمُؤَوِّلِيْنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ هُمُ الْمُتَوَهِّمِوْنَ". (امر و خلق، جلد 3 ص 451)

5 - " اليوم يوم تأويل نيست چه که ارياح تصريح در مرور است " (امر و خلق، جلد 3 ص 446)

6 - " بايد بکمال استقامت بر امراللّه قيام نمائيدو بآنچه نازل شده برحسب ظاهر عامل شويد ".

(٣٤١ گنجينه حدود و احکام ص 341)

7 - " تأويل کلمات حمايات ازليّه را جز هياکل ازليّه ادراک ننمايند " (كتاب مستطاب ايقان)

8 - " کلمه الهيّه را تأويل مکنيد و از ظاهر آن محجوب ممانيد چه که احدی بر تأويل مطّلع نه الّا اللّه و نفوسی که از ظاهر کلمات غافلند و مدعی عرفان معانی باطنيّه ، قسم باسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عامل و باطن را آمل اند " (ص ٣٤٠ گنجينه حدود و احکام و با دو تفاوت جزئی در ص ٤٥٣ ج ٣ امر و خلق )

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " از جمله وصايای حتميّه و نصايح صريحه اسم اعظم اين است که ابواب تأويل را مسدود نمائيد و بصريح کتاب يعنی بمعنی لغوی مصطلح قوم تمسّک جوئيد ". (گنجينه حدود و احکام ص 341)

**بیت العدل:**

1 - " اين آيه اشاره است به کسانی که مدّعی علم باطن هستند و تعلّق شديدشان به چنين علومی آنها را از شناسائی مظهر الهی ممنوع می سازد . در جای ديگر جمال مبارک می فرمايند : نفوسی که به اوهام خود معتکف شده‌اند و اسم آن را باطن گذاشته‌اند فی الحقيقه عبده اصنامند . " (کتاب اقدس – شرح 60)

2 - " حضرت بهاءاللّه در بسياری از الواح تفاوت بين آيات متشابهات و آيات محکمات را بيان فرموده‌اند . متشابهات آياتی است که قابل تأويل است و محکمات اوامر الهی است که معنای آنها واضح و اهل بهاء مأمور به اجرای آنها هستند . همان طور که در يادداشتهای شماره ١٤٥ و ١٨٤ توضيح داده شده ، حضرت بهاءاللّه فرزند ارشد خود ، حضرت عبدالبهاء ، را جانشين و مبيّن منصوص تعاليم خويش منصوب فرمودند . حضرت عبدالبهاء نيز حفيد ارشدشان ، حضرت شوقی افندی ، را بعد از خود به سمت مبيّن آيات و وليّ امراللّه معيّن فرمودند . اهل بهاء آنچه را که حضرت عبدالبهاء و حضرت وليّ امراللّه تبيين فرموده اند هدايت الهيّه ميدانند و قبولش را از فرايض حتميّه خود می شمارند . امّا اين نصوص قاطعه مانع از اين نيست که افراد احبّاء از مطالعه و غور و تعمّق در آثار الهی و حصول استنباطات شخصی خودداری نمايند ، ولی البتّه مطابق بيانات مبارکه فرق و تمايزی فاحش بين نصوص قاطعه و استنباطات شخصيّه موجود است . آنچه افراد از بيانات مبارکه بر حسب فهم و ادراک خويش استنباط نمايند نتيجه فکر بشری است و هر چند ممکن است در کشف حقايق امريّه مؤثّر و مفيد باشد وليکن فاقد اعتبار و سنديّت است . از اين رو به افراد احبّاء اکيداً تذکّر داده شده که در اظهار نظر و ابراز عقايد خود همواره آيات منزله را حجّت دانند و فصل الخطاب شمارند و به انکار تبيينات منصوصه نپردازند و معارضه ننمايند و راه جدل در پيش نگيرند بلکه نظريّات خود را به عنوان خدمتی به توسعه معارف عرضه داشته تصريح نمايند که آنچه اظهار می دارند نظريّات شخصيّه آنان است . " (کتاب اقدس – شرح 130)